

دانشنامه  
حج و حرمین شیرین

آبار علی - احصاء و صد

جلد اول

پژوهشکده حج و زیارت

## ابو عبیدہ جراح: صحابی مشهور

نقش آفرین در ماجرای سقیفه

عامر بن عبدالله بن جراح (م. ۱۸ق.م)، مشهور به ابو عبیدہ جراح، صحابی پیامبر ﷺ و از تیره بنی حارث بن فھر از قریش بود. در نسب او پس از ذکر کنیه، بر خلاف رسم عرب، نام جدّ (جراح) به جای آمده است.<sup>۳</sup> وجهی برای این نام در منابع یاد نشده است؛ اما با توجه به فراوانی آن می توان گفت از اسامی رایج در میان اعراب بوده؛ گرچه به معنای پزشک جراح نیز به کار رفته است.

ابو عبیدہ یکی از ۱۷ نفر با سواد مکه هنگام ظهور اسلام بود.<sup>۴</sup> وی در روزگار جاهلیت برای مکیان گورکنی می کرد.<sup>۵</sup> درباره پدر او سخنان متناقض گفته اند. بر پایه نقلی، پدر وی پیامبر ﷺ را درک کرد و اسلام آورد.<sup>۶</sup> بر پایه گزارشی دیگر، پدر او از مخالفان پیامبر ﷺ بود و ایشان را سب می کرد. گفته اند: به همین سبب، ابو عبیدہ در جنگ بدر سر پدر خود را برید و نزد پیامبر ﷺ آورد.<sup>۷</sup> صحت این گزارش با تردید روبه روست؛ زیرا به گفته

آمد<sup>۱</sup> و در پی شکایت شیعیان به امیر مکه، حیاچ به دستور وی تازیانه خورد. به نقل ذہبی (م. ۷۴۸ق.م) او در مکه دارای خاندانی بوده است.<sup>۲</sup>

### ◀ منابع

تاریخ الاسلام: الذہبی (م. ۷۴۸ق.م)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۵ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذہبی (م. ۷۴۸ق.م)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، الرساله، ۱۴۰۶ق؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن عماد (م. ۸۹۰ق.م)، به کوشش الارنؤوط و دیگران، دار ابن کثیر، دمشق، ۱۴۰۶ق؛ طبقات الشافعیة الكبرى: تاج الدین السبکی (م. ۷۷۱ق.م)، به کوشش الحلو و دیگران، هجر للطباعة و النشر، ۱۴۱۳ق؛ طبقات الشافعیة: ابن قاضی شہبۃ دمشقی (م. ۸۵۱ق.م) به کوشش الحافظ عبدالعلیم خان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۷ق؛ العبر فی خبر من غیر: الذہبی (م. ۷۴۸ق.م)، به کوشش محمد السعید، بیروت، دار الکتب العلمیة، معجم المؤلفین: عمر رضا کحاله، بیروت، التراث العربی؛ موسوعة طبقات الفقهاء: اللجنة العلمیة فی مؤسسة الامام الصادق (ع.م)، مؤسسة الامام الصادق (ع.م)، قم، ۱۴۱۸ق؛ السوفی بالوفیات: خلیل بن ایبک الصفدی (م. ۷۶۴ق.م)، بیروت، دار النشر، ۱۴۱۱ق.

علی اصغر احمدی



۳. نک: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۵۷؛ ج ۱۱، ص ۶۷؛ تاریخ

دمشق، ج ۲۵، ص ۴۴۴؛ الاصابه، ج ۲، ص ۴۷۵.

۴. فتوح البلدان، ص ۲۵۷.

۵. السیرة النبویة، ج ۲، ص ۶۶۴.

۶. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۵۷.

۷. البیضاء و التاریخ، ج ۵، ص ۸۷.

۱. تاریخ الاسلام، ج ۲۴، ص ۲۷۷؛ طبقات الشافعیة، ج ۴، ص ۲۵۰.

شذرات الذهب، ج ۲، ص ۴۰۸.

۲. تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۲۷۶.

با استاد به گزارشی که سن او را در جنگ بدر ۴۱ سال دانسته<sup>۱۱</sup>، می‌توان گفت هنگام اسلام آوردن ۲۷ سال داشته است. وی از دعوت کنندگان به اسلام در زمان دعوت مخفیانه پیامبر ﷺ در مکه بود.<sup>۱۲</sup> نام او در شمار ۱۰ مهاجر نخستین یاد شده که پیش از جعفر بن ابی طالب به حبشه هجرت کردند.<sup>۱۳</sup> برخی مورخان گفته‌اند که وی در مهاجرت دوم به حبشه رفت.<sup>۱۴</sup> بعضی نیز او را حاضر در هر دو هجرت دانسته‌اند.<sup>۱۵</sup> وی پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، از حبشه به مکه بازگشت و سپس به مدینه مهاجرت کرد و در خانه کلثوم بن هدم که خانه مردان مجرد بود، ساکن شد.<sup>۱۶</sup>

پیامبر ﷺ میان او و سعد بن معاذ بن نعمان (م. ۵۵ق.)<sup>۱۷</sup> یا سالم مولای ابی‌حذیفه (م. ۱۲ق.)<sup>۱۸</sup> و یا بلال حبشی (م. ۲۰ق.)<sup>۱۹</sup> پیمان برادری بست. وی با محمد بن مسلمه

برخی مورخان، پدر وی از رؤسای قریش در جنگ فجار بود و مرگ او پیش از اسلام رخ داد.<sup>۲۰</sup> برخی این داستان را از ساخته‌های روزگار فضیلت‌سازی برای صحابه به شمار آورده‌اند.<sup>۲۱</sup> مادر ابو عبیده، امیمه بنت غنم بن جابر، از تیره بنی حارث قریش بود که بعدها اسلام آورد.<sup>۲۲</sup>

در منابع شیعی، شأن نزول آیاتی چون ۹۰ مائده/۵، ۵۱ قلم/۶۸، ۷۴ توبه/۹، ۱۰۸ نساء/۴، ۷۹-۸۰ زخرف/۴۳<sup>۲۳</sup> و ۲۵-۲۶ محمد/۴۷<sup>۲۴</sup> در نکوهش ابو عبیده یاد شده است.

### ◀ ابو عبیده در روزگار پیامبر ﷺ:

گفته‌اند که ابو عبیده همراه ارقم بن ابی ارقم (م. ۵۵ق.) و عثمان بن مظعون (م. ۳ق.) اسلام آورد و از نخستین مسلمانان به شمار می‌رود.<sup>۲۵</sup> برخی اسلام او را به دست ابوبکر دانسته‌اند.<sup>۲۶</sup>

۱۲. الطبقات، ج ۳، ص ۱۱۴؛ المعارف، ص ۲۲۸.  
 ۱۳. نکتة انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۴۰.  
 ۱۴. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ البداية و النهایه، ج ۳، ص ۳۲۱.  
 ۱۵. الطبقات، ج ۷، ص ۲۶۹؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۱۰.  
 ۱۶. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۵۷؛ الاصابه، ج ۳، ص ۴۷۵.  
 ۱۷. نکتة السیرة النبویه، ج ۱، ص ۳۶۹.  
 ۱۸. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۰۵؛ الطبقات، ج ۳، ص ۴۲۱.  
 ۱۹. الطبقات، ج ۲، ص ۸۸، ۳۱۳؛ المحتر، ص ۷۱؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۵۷.  
 ۲۰. الاصابه، ج ۱، ص ۴۵۵.

۱. المحتر، ص ۱۷۰؛ الاصابه، ج ۲، ص ۴۷۶.  
 ۲. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۲۶؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۷۱۸.  
 ۳. المعارف، ص ۳۲۷؛ الاصابه، ج ۳، ص ۴۷۵.  
 ۴. البرهان، ج ۲، ص ۳۶۰.  
 ۵. الکافی، ج ۲، ص ۵۶۶-۵۶۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۵۹.  
 ۶. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۱.  
 ۷. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۷۵؛ الکافی، ج ۸، ص ۳۲۴.  
 ۸. الکافی، ج ۱، ص ۴۲۱؛ ج ۸، ص ۱۸۰.  
 ۹. الکافی، ج ۱، ص ۴۲۱؛ البرهان، ج ۴، ص ۸۸۴.  
 ۱۰. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ الطبقات، ج ۳، ص ۳۹۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۵، ۶، ۱۴۴.  
 ۱۱. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۳۱۴؛ الرياض النضرة، ج ۳، ص ۳۴۶.

(م. ۴۶۶). نیز برای برخورداری از میراث<sup>۱</sup> پیمان برادری برقرار کرد. روایتی از انس بن مالک در زمینه شراب نوشیدن ابو عبیده همراه ابی بن کعب و ابوطلحه انصاری در دست است.<sup>۲</sup>

روایت‌ها از حضور ابو عبیده در جنگ بدر و اُحد به سال سوم ق. حکایت دارند. در جنگ احد از اندک کسانی بود که تا آخرین لحظه ایستادگی و از پیامبر ﷺ دفاع کردند. او به مداوای زخم‌های مجروحان نبرد پرداخت و حلقه زرهی را که در پیشانی پیامبر فرورفته بود، با دندان بیرون کشید و از همین رو، دندان‌های پیشینش شکست و از این جهت او را اَثرَم یا اَتم گفتند.<sup>۳</sup> منابع شیعی گزارش داده‌اند که در این ماجرا تنها علی رضی الله عنه و ابودجانه (م. ۱۲۰ ق.) در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله ماندند.<sup>۴</sup> در برخی منابع آمده که فردی به نام عقبه بن وهب حلقه‌ها را از چهره پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آورد.<sup>۵</sup>

ابو عبیده در ماجرای صلح حدیبیه به سال

۱. المعجز، ص ۷۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۱۹؛ الطبقات، ج ۲، ص ۳۱۲.

۲. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۲۴.

۳. المغازی، ج ۱، ص ۱۵۷، ۲۴۰؛ نک: السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۸۵؛ البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۸۷.

۴. المغازی، ج ۱، ص ۲۴۰، ۳۴۷؛ البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۸۷؛ البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۳۰.

۵. الکافی، ج ۸، ص ۲۸؛ غنیل الشرایع، ج ۱، ص ۷؛ الارشاد، ج ۱، ص ۸۳.

۶. المعارف، ص ۲۴۸؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۳۲۲.

ششم ق. از گواهان این صلح بود و نامش در کنار دیگر گواهان، بالای پیمان‌نامه نوشته شد.<sup>۶</sup> گویا به سبب با سواد بودن، در شمار شاهدان پیمان انتخاب شد. او در غزوه ذات السلاسل به سال هشتم ق.<sup>۷</sup>، سریه خبیط به سال هشتم ق.<sup>۸</sup> و به گفته ابن سعد (م. ۲۳۰ ق.) در همه جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و به سخن ابن حجر (م. ۸۵۳ ق.) در همه غزوه‌ها، جز غزوه تبوک به سال نهم ق. شرکت داشت.<sup>۹</sup> او در سریه خبیط (سیف البحر) و ذی القصة به سال ششم ق. فرمانده سپاه بود. در سریه خبیط، پیامبر صلی الله علیه و آله او را همراه ۳۰۰ تن از مسلمانان به سوی قبیله‌ای از جُهنّه فرستاد.<sup>۱۰</sup>

در غزوه ذات السلاسل پیامبر صلی الله علیه و آله او را با گروهی از صحابه به کمک سپاهی به فرماندهی عمرو بن عاص (م. ۴۳ ق.) فرستاد. با این که او از عمرو بن عاص دل خوشی نداشت، به سبب پیروی از دستور پیامبر صلی الله علیه و آله با عمرو کنار آمد و از این روی، پیامبر صلی الله علیه و آله وی را تحسین کرد.<sup>۱۱</sup> اخباری ناسازگار درباره حضور

۷. المغازی، ج ۲، ص ۶۱۲.

۸. اسد الغابه، ج ۳، ص ۷۴۲.

۹. الطبقات، ج ۳، ص ۴۱۲؛ ج ۷، ص ۲۶۹؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۲.

۱۰. الطبقات، ج ۷، ص ۲۶۹.

۱۱. الاصابه، ج ۶، ص ۲۸.

۱۲. الطبقات، ج ۷، ص ۲۶۹.

۱۳. المغازی، ج ۲، ص ۷۷۰-۷۷۳؛ السیره النبویه، ج ۲، ص ۶۲۲-

۶۲۲؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲.

همراه ایشان فرستاد.<sup>۸</sup> نیز او به فرمان پیامبر ﷺ برای آموزش امور دینی به یمن رفت.<sup>۹</sup> هنگام دفن پیامبر ﷺ کسی را به دنبال او و فردی دیگر را در پی ابوظحله فرستادند. ابوظحله زودتر از ابو عبیدہ رسید و قبر پیامبر ﷺ را کند.<sup>۱۰</sup>

◀ **ابو عبیدہ پس از پیامبر ﷺ:** ابو عبیدہ هنگام رحلت پیامبر ﷺ با سپاه اسامه رهسپار جنگ بود.<sup>۱۱</sup> چون خبر وفات پیامبر ﷺ به سپاه رسید، با اسامه و عمر به مدینه بازگشت و در مراسم دفن پیامبر حضور یافت.<sup>۱۲</sup> پس از رحلت پیامبر ﷺ و بیعت با ابوبکر، ماجرای ارتداد اعراب برخی نواحی پیش آمد. وی و عمر و سعد بن ابی وقاص از ابوبکر خواستند از اعزام سپاه اسامه به روم منصرف شود و ایشان را برای سرکوب کردن مرتدان بفرستد. ابوبکر نپذیرفت و تنها عمر را در مدینه نگاه داشت و دیگران را به سپاه اسامه ملحق کرد.<sup>۱۳</sup>

ابو عبیدہ همراه عمر در سقیفه بنی ساعده

او در غزوه تبوک در دست است. منابع اهل سنت معتقدند وی در تبوک حضور نداشت<sup>۱</sup> و پیامبر ﷺ او را در مدینه باقی نهاده بود.<sup>۲</sup> برخی منابع شیعه معتقدند او از کسانی بود که قصد داشتند در بازگشت از غزوه تبوک با رم دادن شتر پیامبر ﷺ ایشان را ترور کنند.<sup>۳</sup>

ابو عبیدہ در روز فتح مکه به سال هشتم ق. کنار پیامبر ﷺ بود و فرماندهی بخشی از سپاه را بر عهده داشت<sup>۴</sup> و پیشاپیش پیامبر وارد مکه شد.<sup>۵</sup> نیز او از گواهان پیمان نامه هیت های نمایندگی قبایل با پیامبر ﷺ بود.<sup>۶</sup> پیامبر او را برای تبلیغ و جمع آوری زکات به قبایل و مناطق مختلف فرستاد. او از سوی پیامبر ﷺ برای گرفتن جزیه به بحرین فرستاده شد و با اموالی که به دست آورده بود، به مدینه بازگشت و پیامبر ﷺ از بازگشت او خوشحال شد.<sup>۷</sup> هنگامی که گروهی از مردم نجران به حضور پیامبر آمده، از او خواستند تا فردی امین را به سوی آنان بفرستد، ایشان ابو عبیدہ را

۱. الاصابه، ج ۶ ص ۲۸.

۲. تاریخ الاسلام، ج ۴ ص ۱۱۳.

۳. الخصال، ج ۲ ص ۴۹۹.

۴. فتوح البلدان، ص ۵۲ تاریخ طبری، ج ۳ ص ۱۵۹.

۵. السیره النبویه، ج ۲ ص ۳۲۷، ۴۰۷؛ تاریخ طبری، ج ۳ ص ۱۵۹.

۶. المغازی، ج ۲ ص ۶۱۲؛ الطبقات، ج ۲ ص ۷۴-۷۵.

۷. مستند احمد، ج ۴ ص ۱۲۷؛ صحیح البخاری، ج ۴ ص ۶۲-۶۳.

دلائل النبوه، ج ۶ ص ۳۱۹.

۸. الطبقات، ج ۳ ص ۳۱۵؛ صحیح البخاری، ج ۸ ص ۱۲۳.

۹. الاستیعاب، ج ۴ ص ۱۷۱۱.

۱۰. الاستیعاب، ج ۴ ص ۱۷۱۰؛ الاصابه، ج ۴ ص ۴۷۶.

۱۱. السیره النبویه، ج ۲ ص ۶۶۴.

۱۲. المغازی، ج ۳ ص ۱۱۱۸.

۱۳. المغازی، ج ۳ ص ۱۱۲۰؛ السیره النبویه، ج ۲ ص ۶۶۳؛ تاریخ طبری، ج ۲ ص ۲۱۳.

۱۴. المغازی، ج ۳ ص ۱۱۲۰-۱۱۲۱.

حضور داشت<sup>۱</sup> و در رساندن ابوبکر (م. ۱۳ق.) به خلافت نقشی مهم و اساسی ایفا کرد. برخی از منابع شیعه معتقدند ابو عبیدہ، ابوبکر، عمر (م. ۲۳ق.)، مغیرة بن شعبه (م. ۵۰ق.)، عبدالرحمن بن عوف (م. ۳۱ق.) و سالم مولای ابی خدیفه (م. ۱۲ق.) با هم عهد کرده بودند پس از رحلت پیامبر ﷺ نگذارند خلافت به دست بنی هاشم افتد.<sup>۲</sup> هنگامی که ابوبکر، عمر و ابو عبیدہ شتابان به سقیفه رسیدند، انصار برای انتخاب خلیفه در آنجا گرد آمده بودند.<sup>۳</sup> آنان پیامبر ﷺ را از مهاجران شمردند و خود را به جانشینی او سزاوارتر دانستند.<sup>۴</sup> عمر و ابوبکر نخست قصد داشتند تا با ابو عبیدہ بیعت کنند؛<sup>۵</sup> اما او ابوبکر را به دلیل تقدم در اسلام و همراهی با رسول خدا ﷺ در هجرت به مدینه مقدم دانست.<sup>۶</sup>

چون ابوبکر به خلافت رسید، ابو عبیدہ نقشی عمده در گرفتن بیعت از مخالفان به ویژه علی ﷺ داشت.<sup>۷</sup> او برای بیعت گرفتن از

علی ﷺ با اشاره به سابقه وی در اسلام و فضل و خویشاوندی او با پیامبر ﷺ، به سبب جوان بودن او و نیز کهنسالی و تجربه بیشتر ابوبکر، بر آن بود که ابوبکر برای خلافت شایسته تر است. پس از علی خواست تا این مقام را به ابوبکر تسلیم کند.<sup>۸</sup> بر پایه گزارشی، وی در مشاجره با علی ﷺ او را حریص به خلافت دانست.<sup>۹</sup> هنگامی که ابوبکر به حدیثی از پیامبر ﷺ استاد نمود که نبوت و خلافت در بنی هاشم جمع نمی شوند، ابو عبیدہ به صحت این حدیث گواهی داد.<sup>۱۰</sup> برخی مفسران شیعی سده های نخست او را از کسانی می دانند که برای گرفتن بیعت به خانه حضرت زهرا ﷺ هجوم برد.<sup>۱۱</sup>

نیز ابو عبیدہ همراه عمر و مغیرة بن شعبه در گرفتن بیعت از عباس (م. ۶۸ق.) عموی پیامبر ﷺ برای ابوبکر تلاش کرد.<sup>۱۲</sup> بر پایه نقلی، آنان کوشیدند با تطمیع عباس وی را برای جدایی از علی ﷺ تشویق کنند.<sup>۱۳</sup> او تا پایان زندگی از مهم ترین عناصر استحکام ارکان خلافت شیخین بود و در زمان ابوبکر مدتی متصدی بیت المال شد.<sup>۱۴</sup> سپس به

۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۶۰؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۱۷۹-۱۸۰.

۳. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۶۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۳.

تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۹.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۳.

۵. السیره النبویه، ج ۲، ص ۶۵۹؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۶۴.

الطبقات، ج ۲، ص ۲۲۱.

۶. الرده، ص ۴۱-۴۲؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۱؛ شرح نهج البلاغه،

ج ۶، ص ۸.

۷. المغازی، ج ۲، ص ۱۱۲۱؛ الرده، ص ۴۶.

۸. نک: الرده، ص ۴۶؛ شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۲.

۹. الغارات، ج ۲، ص ۴۶۷؛ شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۰۵.

۱۰. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸۳.

۱۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۶.

۱۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۱۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۱۴. تاریخ خلیفه، ص ۶۶.

یاری جست، ابو عیینده مواد غذایی فراوان با ۴۰۰۰ بار شتر از شام به مدینه آورد. با توجه به گسترده نبودن مدینه در آن روزگار، این رقم گزاف به نظر می‌رسد. هنگامی که عمر خواست بهای این مواد خوراکی را پردازد، ابو عیینده از پذیرش آن خودداری کرد و این کار را برای رضای خدا دانست.<sup>۷</sup>

روزی عمر بن خطاب ۴۰۰۰ درهم و ۴۰۰ دینار برای ابو عیینده فرستاد تا وی را بیازماید. او همه آن پول را قسمت کرد.<sup>۸</sup> در منابع آمده است که وی آرزو می‌کرد گوسفندی بود و خانواده‌اش او را ذبح کرده، از گوشتش بهره می‌بردند.<sup>۹</sup> این سخن شاید بر اثر پشیمانی از اشتباهاتش بوده است. او سرانجام در سال ۱۸ق. هنگامی که ۵۸ سال داشت، در طاعون عمواس در اردن مُرد و معاذ بن جبل بر او نماز گزارد.<sup>۱۰</sup> وی در روستای «عمتا» در منطقه غور (بیسان) به خاک سپرده شد.<sup>۱۱</sup>

ابو عیینده در منابع کهن اهل سنت به عنوان صحابی پیامبر ﷺ، یکی از عشره مبشره<sup>۱۲</sup> و از

فرماندهی کل سپاه مسلمانان در شام رسید<sup>۱</sup> و شهرها و مناطق عمده شام از جمله دمشق را فتح کرد. او در سال پانزدهم ق. همراه خالد بن ولید به قصد فتح حِصص به این منطقه لشکر کشید. مسلمانان پس از ماه‌ها محاصره این منطقه، پیروز شدند و آن را تصرف کردند.<sup>۲</sup>

خلیفه دوم در سال ۱۷ق. با برکنار کردن خالد بن ولید، ابو عیینده را به حکومت شام منصوب کرد.<sup>۳</sup> خلیفه آن قدر به او اعتماد داشت که به گفته خود می‌خواست پس از مرگ، وی را به جای خویش بگمارد.<sup>۴</sup> او می‌گفت: آرزو دارم خانه‌ای آکنده از مردانی همچون ابو عیینده داشته باشم.<sup>۵</sup> ابو عیینده از فرماندهان مسلمانان در فتح جزیره به سال ۱۷ق. و فتح مصر به سال ۱۸ق. بود.<sup>۶</sup>

بر پایه گزارشی، از خدمات او به خلیفه دوم و اهالی مدینه آن بود که چون مدینه دچار قحطی و خشکسالی شد و عمر از والیان شهرهای مختلف برای ارسال مواد غذایی

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۴۰، ۳۵۵، ۴۰۵-۴۰۶؛ البده و التاریخ، ج ۵، ص ۱۶۶؛ المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۹۸.

۳. الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۹۳.

۴. الطبقات، ج ۳، ص ۲۶۱؛ سند احمد، ج ۱، ص ۱۸؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۲۷.

۵. الطبقات، ج ۷، ص ۲۶۹.

۶. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۷، ۱۰۷.

۷. المنتظم، ج ۴، ص ۲۵۱.

۸. الطبقات، ج ۷، ص ۲۶۹.

۹. الطبقات، ج ۳، ص ۳۱۵؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۶.

۱۰. تاریخ خلیفه، ص ۱۲۸؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۸.

۱۱. شذرات الذهب، ج ۱، ص ۲۹.

۱۲. معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۵۳؛ الاعلام، ج ۳، ص ۲۵۲.

۱۳. الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۴؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۰۶؛ البدایة و

النهایه، ج ۷، ص ۹۴.

حواریان پیامبر ﷺ و ققیهان صحابه<sup>۱</sup> یاد شده و فضیلت‌هایی از زبان پیامبر ﷺ<sup>۲</sup> و صحابه<sup>۳</sup> در ستایش او نقل کرده‌اند؛ مثلاً او را امین است و امین پیامبر ﷺ<sup>۴</sup> شمرده‌اند.<sup>۵</sup> برخی حدیث‌شناسان در صحت انتساب این سخن به پیامبر ﷺ تردید دارند.<sup>۶</sup> او را از کاتبان وحی<sup>۷</sup> و گردآورندگان قرآن دانسته‌اند.<sup>۸</sup> اشعاری هم به او نسبت داده‌اند.<sup>۹</sup> نیز او در منابع حدیثی یکی از روایان احادیث پیامبر ﷺ به شمار می‌رود که روایاتی اندک از زبان پیامبر نقل کرده است.<sup>۱۰</sup>

◀ **روایت‌های ابو عبیدہ: روایان**

احادیث اندک وی از پیامبر ﷺ از این قرارند: جابر بن عبدالله، عریاض بن جاریه، ابوامامه باهلی، اسلم غلام عمر، سمره بن جندب، عبدالرحمن بن غنم<sup>۱۱</sup>، و عیاض بن غطف.<sup>۱۲</sup>

۱. المحتر، ص ۴۷۴.
۲. طبقات الفقهاء ج ۱، ص ۳۵؛ نکتہ سیر اعلام النبلاء ج ۱، ص ۶-۷.
۳. تاریخ الخلفاء، ص ۴۵، ۴۷.
۴. تاریخ المدینه، ج ۳، ص ۸۸۱؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۰۴؛ البدایة و النہایہ، ج ۷، ص ۹۷.
۵. تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۸۸۱؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۲۳؛ المعارف، ص ۲۴۷.
۶. حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۲۲؛ ج ۷، ص ۱۷۵.
۷. البدایة و النہایہ، ج ۵، ص ۳۴۹.
۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۸.
۹. السیرة النبویہ، ج ۲، ص ۵۱۴.
۱۰. السیرة النبویہ، ج ۲، ص ۹۹، ۲۲۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۶-۷.
۱۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۶.
۱۲. السنن الدارمی، ج ۲، ص ۳۲۳.
۱۳. مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۶۸.
۱۴. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۷۲.
۱۵. تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۲۸۱.
۱۶. مسند ابی یعلیٰ، ج ۲، ص ۱۸۱؛ المستدرک، ج ۳، ص ۲۶۴-۲۶۵.
۱۷. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۹۸-۸۹۹.
۱۸. السنن الکبریٰ، ج ۸، ص ۱۵۹.
۱۹. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۶؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۴۴.
۲۰. سنن الدارمی، ج ۲، ص ۳۳۳.
۲۱. کنز العمال، ج ۴، ص ۴۲۳.
۲۲. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۴۷.
۲۳. کتاب السنه، ص ۱۳۲.



المحرانی (م. ۱۱۰۷ق.)، قم، البعث، ۱۴۱۵ق؛  
تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذہبی  
(م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت،  
دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ الخلفاء:  
السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیہ،  
۱۴۰۸ق؛ تاریخ بغداد: الخطیب البغدادی  
(م. ۴۶۳ق.)، به کوشش عبدالقادر، بیروت، دار  
الکتب العلمیہ، ۱۴۱۷ق؛ تاریخ خلیفہ بن  
خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار،  
بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تاریخ طبری (تاریخ  
الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش  
محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛  
تاریخ مدینة دمشق: ابن عساکر (م. ۷۱۵ق.)، به  
کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛  
تاریخ المدینة المنورة: ابن شنبه النمیری  
(م. ۲۶۲ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر،  
۱۴۱۰ق؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب  
(م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ تفسیر  
العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، به کوشش رسولی  
محلّاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامیہ؛  
تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش  
الجزیری، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ق؛ حلیة الاولیاء:  
ابونعمیم الاصفهانی (م. ۴۳۰ق.)، بیروت، دار الکتب  
العربی، ۱۴۰۵ق؛ الخصال: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)،  
به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛  
دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی،  
تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۷ش؛  
دائرة المعارف قرآن کریم: مرکز فرهنگ و معارف  
قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸ش؛ دلائل  
النسوة: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به کوشش  
عبدالمعطلی، بیروت، دار الکتب العلمیہ، ۱۴۰۵ق؛  
الرده: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش الجبوری،  
بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۰ق؛ الریاض  
النضرة: الطبری (م. ۶۹۴ق.)، به کوشش عیسی  
عبدالله، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۶م؛

و از علت آن پرسید. ابو عنیدہ علت آن را  
فراموش کردن وصیت پیامبر دانست که وی را  
از تجمل گرایی منع نموده و توصیه کرده بود  
زندگی ساده‌ای در پیش گیرد؛ ولی وی چنین  
نکرده بود.<sup>۱</sup>

منابع از دو پسر وی به نام‌های یزید و عمیر  
از هند بنت جابر بن وهب یاد کرده‌اند؛<sup>۲</sup> اما  
نسلی از او نمانده است.<sup>۳</sup>

### ← منابع

الاحتجاج: ابومنصور الطبرسی (م. ۵۲۰ق.)، به  
کوشش سید محمد باقر، دار النعمان، ۱۳۸۶ق؛  
الارشاد: المفید (م. ۴۱۳ق.)، بیروت، دار المفید،  
۱۴۱۴ق؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به  
کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب  
العلمیہ، ۱۴۱۵ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن  
محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر،  
۱۴۰۹ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی  
(م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران،  
بیروت، دار الکتب العلمیہ، ۱۴۱۵ق؛ الاعلام:  
الزرکلی (م. ۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم للملایین،  
۱۹۹۷م؛ اسباب الاشراف: الجلاذری (م. ۲۷۹ق.)،  
به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت،  
دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ البدء و التاریخ: المظهر  
المقدسی (م. ۳۵۵ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۰۳م؛  
البدایة و النهایة: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت،  
مکتبة المعارف: البرهان فی تفسیر القرآن؛

۱. مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۱۹۵-۱۹۶؛ مجمع الزوائد، ج ۱۰،  
ص ۲۵۳.

۲. الطبقات، ج ۳، ص ۴۰۹.

۳. المعارف، ص ۲۴۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۸.

المعترف: ابن حبيب (م. ۲۴۵ق.)، به كوشش ايلزه ليختن شتير، بيروت، دار الأفاق الجديدة؛ المستدرک علی الصحیحين: الحاكم النيشابوري (م. ۴۰۵ق.)، به كوشش مرعشلي، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق؛ مسند ابى يعلى: احمد بن علی بن المثنى (م. ۳۰۷ق.)، به كوشش حسين سليم، بيروت، دار المأمون للتراث؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بيروت، دار صادر؛ المعارف: ابن قتيبه (م. ۲۷۶ق.)، به كوشش ثروت عكاشه، قم، شريف رضى، ۱۳۷۳ش؛ معجم البلدان: ياقوت الحموي (م. ۶۲۶ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المعجم الكبير: الطبراني (م. ۳۶۰ق.)، به كوشش حمدي عبدالمجيد، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۵ق؛ المغازي: الواقدي (م. ۲۰۷ق.)، به كوشش مارسدن جونز، بيروت، اعلمى، ۱۴۰۹ق؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش غفاري، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۴ق؛ المنتظم: ابن جوزي (م. ۵۹۷ق.)، به كوشش نعيم زرزور، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۲ق.

علی غفرانی، معصومه اخلاقی



## ابوعزیز قتاده بن ادريس: امير مکه،

از اشرف حسنى و سرسلسله آل قتاده

ابوعزیز قتاده بن ادريس بن مُطاعن / مطاعن، ملقب به نابغه، با ۱۵ واسطه به امام حسن مجتبیٰ علیه السلام نسب می‌رساند.<sup>۱</sup> مادرش نیز از

سنن ابن ماجه: ابن ماجه (م. ۲۷۵ق.)، به كوشش محمد فواز، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۳۹۵ق؛ سنن ابى داود: السجستاني (م. ۲۷۵ق.)، به كوشش سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۰ق؛ سنن الترمذی: الترمذی (م. ۲۷۹ق.)، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۲ق؛ السنن الكبرى: البيهقي (م. ۴۵۸ق.)، بيروت، دار الفكر؛ سنن الدارمی: الدارمی (م. ۲۵۵ق.)، احياء السنة النبويه: سير اعلام النبلاء: الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به كوشش گروهی از محققان، بيروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ السيرة النبويه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)، به كوشش السقاء و ديگران، بيروت، المكتبة العلمية؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن عماد (م. ۱۰۸۹ق.)، بيروت، دار ابن كثير، ۱۴۰۶ق؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابى الحديد (م. ۶۵۶ق.)، به كوشش محمد ابوالفضل، دار احياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ق؛ صحيح البخاری: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ق؛ طبقات الفقهاء: ابراهيم بن محمد الشيرازي (م. ۴۷۶ق.)، به كوشش احسان عباس، بيروت، دار الرائد: الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بيروت، دار صادر؛ علل الشرايع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش بحر العلوم، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق؛ الغارات: ابراهيم الثقفي الكوفي (م. ۲۸۳ق.)، به كوشش المحدث، بهمن، ۱۳۵۵ش؛ فتوح البلدان: البلاذري (م. ۲۷۹ق.)، به كوشش محمد رضوان، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۳۹۸ق؛ الكافي: الكليني (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلامية، ۱۳۷۵ش؛ كتاب السنة: الشيباني (م. ۲۸۷ق.)، به كوشش محمد الباني، بيروت، المكتبة الاسلامية، ۱۴۱۳ق؛ كنز العمال: المتقي الهندي (م. ۹۷۵ق.)، به كوشش صفوة السقاء، بيروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ مجمع الزوائد: الهيتمي (م. ۸۰۷ق.)، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۲ق؛

۱. سير اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۱۰۶؛ العقد الثمين، ج ۷، ص ۳۹؛

غاية العرام، ج ۱، ص ۵۵۰-۵۵۱.